

بحثی پیرامون نظریات تاریخی نویسندگان رمانتیک فرانسه

علاقه به مسائل تاریخی از اشتغالات فکری و ذهنی نویسندگان نام آور فرانسوی در قرن نوزدهم بشمار می رود. ژان ایوتادیه^۱ بخش عمده ای از آثار خلق شده در این قرن را که در ارتباط نزدیک با تاریخ و مسائل مبتلا به آن است مدیون نویسندگان شعرا و درام نویسان مکتب رمانتیک می داند و معتقد است که جامعه غرب و تحولات و بحرانهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن در تهییج افکار انسان در قرن نوزدهم سهمی به سزا دارد. در برابر رشد سریع جامعه صنعتی فرد، هر اسنالك^۲، به سر نوشت خویش می اندیشد. ازدیاد نفوس، طبقات اجتماعی را از یکدیگر دور می کند و باعث عزلت و جدایی فرد از جامعه می گردد، فردی که «خودش را جستجو می کند اما حقیقت وجود خود را نمی یابد»^۳. در واقع، فرد در برابر تحولات اجتماعی و به ویژه «جاه طلبی های طبقه بورژوازی»^۴ احساس عدم امنیت می نماید.

نویسندگان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. نویسنده در قرن نوزدهم فردی است که نمی تواند به «خوش بینی های» طبقه بورژوازی دل خوش کند، بنابراین تنهاست و ترجیح می دهد در «من فردی» خویش غوطه ور گردد. پل والر^۵ در سال ۱۸۹۰، در مجموعه عظیمی از نامه هایی که از خود به جای گذاشته است، به طور لاینقطع در باب تنهایی و عزلت نویسنده در برابر بحرانهای تاریخی در قرن نوزدهم به تحقیق می پردازد. از سوی دیگر ارزشهای مذهبی نیز به دلیل نوسانهای تاریخی و انقلابهای بیابنی احساس

شک و تردید در میان نویسندگان بوجود می‌آورد. مع‌هذا نباید با نظر بدبینی و یأس به جامعه نگریست، به همین دلیل نیز، بودند نویسندگانی که در قرن نوزدهم پیام آور امید، ترقی و آزادی، دست در دست مورخین همگان را به چشم اندازی روشن دعوت می‌کردند و با توده مردم زیستن را بر تنهایی و گوشه‌گیری ترجیح می‌دادند. به هر حال، قرن نوزدهم، قرنی است که نویسنده بر سر دوراهی تاریخ قرار گرفته است؛ از یک سو باید، دوران سخت و طاقت‌فرسای امپراطوری ناپلئون و انقلاب ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸ را^۸ تحمل کند و از سوی دیگر نیز لازم است همگام با توده مردم راه آینده را هموار نماید. به هر صورت، تاریخ در قرن نوزدهم شکل تازه‌ای از تفکر فلسفدادمی‌گردد.

همگان بر آنند تا به جای تحقیق در زمینه‌های سطحی و بی‌محتوای تاریخی، از جمله نگرش بر انساب و شرح زندگی شاهان و خاطرات سلحشوریهای دلاوران اعصار و قرون، به تتبع نوی دست یازند.^۹ در همان حالی که محقق ادبی، در قرن نوزدهم، در جهت احیای ارزشهای معنوی انسان قلم می‌زند و آثار ادبی متعدد از جمله، قصه، نسیاشنامه و شعر می‌آفریند، هم‌زمان نیز، همان محقق در راستای مسائل تاریخی به تحقیق می‌پردازد، تا آنجایی که در زمینه ادبیات به نویسنده پیشنهاد می‌گردد تا قبل از شروع به قصه‌نویسی، در زمینه مسائل تاریخی می‌بایست توفیقی کسب نمود و یا حداقل کتابی در آن مقوله به رشته تحریر درآورد.^{۱۰} بدین ترتیب، تاریخ موضوع روز می‌گردد، مورخ به جای بحث در کلیات و مسائل پیش پا افتاده مانند نگرش بر انساب پادشاهان و تأمل در رفتار و کردار ایشان، از نهضت‌ها و علل بروز انقلابها و ظرافتهای مسائل تاریخی سخن به میان می‌آورد،^{۱۱} بنابراین، در قرن نوزدهم، تاریخ هرگز سر آن ندارد، تا تنها به گذشته‌های دور نظر افکند، بلکه زمان حال تاریخی نیز از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.^{۱۲}

در بخشی از کتاب خود، عبدالهادی حائری، چکیده‌ای بسیار خواندنی از «پیدایش نوشته‌های بیدارگر» ارائه می‌دهد که در آن قرن هجدهم، یعنی عصر روشنگری، به تعبیری، عصر پدیده‌های نو در تاریخ محسوب می‌گردد. مؤلف

«نخستین رویاروییهای اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب» معتقد است که ولتر «مفهوم نو تاریخ را بنیاد نهاد»؛ چنین برداشتی بی‌شک تفسیر درستی از حقانیت عقاید ولتر دربارهٔ تاریخ به حساب می‌آید، اما به تعبیر ژان اوتادیه (Jean Yves Tadie) در قرن نوزدهم، تاریخ به معنای «علم تاریخ» مطرح می‌گردد^{۱۰}. مورخین مشهور از زمرهٔ نویسندگان نیز بشمار می‌روند. لامارتین^{۱۱} و یایوینی^{۱۲} وقایع انقلاب ۱۷۸۹ را به نظم می‌کشند، در همان حال شاتوبریان^{۱۳} نیز وضع کنونی مسیحیت و تاریخ آن را مورد مذاقه قرار می‌دهد. او در کتاب *Génie du Christianisme* (نبوغ مسیحیت) با اتکاء به منابع و مآخذ متأخر بر تجدید حیات قرون وسطی تأکید می‌ورزد و شرحی از تاریخ آن زمان را می‌نگارد؛ تعریف و تمجید از هنر معماری گوتیک^{۱۴} در ساختمان و بناهای مذهبی جزئی از مقولهٔ تاریخ بشمار می‌رود. شاتوبریان معتقد است که اگر تاریخ به شیوه‌ای که قبل از آن بوسوئه^{۱۵} به نگارش آن پرداخت به تحریر درآید، بی‌شک چشم‌انداز تازه‌ای در برابر دیدگان محقق گشوده می‌شود. نویسنده نبوغ مسیحیت در کتاب دیگر خود تحت عنوان *Les Martyrs* (شهیدان) احیای ارزشهای ملی فرانسه را ملهم از سنجش ارزشهای تاریخی سده‌های میانه می‌داند و در این راستا تسامی توجه خود را به تتبع در علل بروز حوادث تاریخی در آن دوره معطوف می‌دارد. در سال ۱۸۱۱، شاتوبریان در کتابی دیگر بنام *Itinéraire de Paris à Jérusalem* (خاطرهٔ سفر از پاریس به اورشلیم) توجه مورخ را به شناخت خصوصیات بومی و قومی ملل مختلف از ضروریات تاریخی می‌داند و معتقد است که تحقیق در جهات و جنبه‌های گوناگون رسوم و عادات و رفتارهای یک ملت جزئی از وقایع و حقایق تاریخی بشمار می‌رود. در کتابی دیگر *Mémoires d'Outre-Tombe* (خاطرات آن سوی گور) وی علل سقوط و انحطاط تمدنها را مورد بررسی قرار می‌دهد و می‌گوید: «انسان در مسیر حوادث تاریخ، گویی با صدای مهیب سقوط قدرتها در دل شب از خواب برمی‌خیزد و صبحگاهان آثار این ازهم‌پاشیدگی را از مقابل در خانه‌اش می‌زداید» و یا در جایی

دیگر از همان کتاب، می‌خوانیم: «هنگامی که گردوغبار سی‌وپنجم پادشاه خاندان Capets (کاپت) را از جامه‌ی زمان برمی‌گیریم، هیچ در نمی‌یابیم مگر بعضی حکایات و قصصی را که آن‌هم راه به‌جایی نمی‌برد»^{۱۶}. در پایان این کتاب، شاتوبریان بار دیگر به‌مورخ توصیه می‌کند که نگرش و تحقیق در باب علل بروز انقلابها را نمی‌توان با دیده‌ی شاعرانه و یا اسطوره‌وار نگریست، تاریخ دائماً در معرض تغییراتی اساسی و انقلاب هم پدیده‌ای است که در حیطه‌ی گسترده‌ی جغرافیای جهانی باید مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد، بی‌جهت نیست که وی در کتابی دیگر زیر عنوان *Essai sur les révolutions* (رساله در باب علل بروز انقلابها)، در سال ۱۷۹۷ اذعان می‌دارد: «وقتی دوباره از کره‌ی ارض را از دیدگاه تاریخ می‌نگریم، درمی‌یابیم که پاره‌ای از آن در ازل و پاره‌ای دیگر با مرگ من به پایان می‌رسد و آنگاه پی می‌برم که تا چه اندازه از شناخت این جهان عاجز بوده‌ام»^{۱۷}. شاتوبریان این احساس عجز و ناتوانی در برابر عظمت وقایع تاریخی عصر خویش را که به‌طور مداوم دستخوش تغییر و نوسان است، با این جمله عمیق به پایان می‌برد: «در این قرن، گویی دنیای فرتوت و کهن رو به افول گذارده و جهانی نو و تازه تولد یافته است». در واقع نیز چنین است، چرا که کشفیات جدید در زمینه تحقیقات تاریخی، پیشرفت سرسام‌آور جامعه صنعتی، دست‌آوردهای تازه در قلمرو نجوم، یکسره همه جوانب حیات بشری را دگرگون کرده است. شاتوبریان نیز، تحت تأثیر همین روند روزافزون، تأمل در علل بروز حوادث تاریخی را از زمان حال آغاز می‌کند و تدریجاً به تحقیق در باب وقایع گذشته می‌پردازد، در پایان نیز به چنین استنتاجی دست می‌یابد که نجوا و زمزمه روزهای نخستین آفرینش لحظه به لحظه از صفحات تاریخ محو می‌گردد و جای خود را به تحول، تکامل و پیشرفت می‌سپارد.

در عصر رمانتیسیم^{۱۸}، بعضی از نویسندگان شرح و تفسیر وقایع گذشته را بر شناخت و تحلیل پیشرفت جامعه صنعتی نوپای اروپا ترجیح می‌دادند. این گروه از نویسندگان

طرفدار احیای اصالت‌های گذشته تاریخ بودند و معتقد به این اصل که باید در برابر اختراعات و کشفیات جدیده ایستادگی کرد و به سنن گذشته، همچنان پای بند بود، به همین دلیل نیز وقتی دیدند که لکوموتیو و ترن، وسیله حمل و نقل جدید و شگفت آوری است، به عنوان اعتراض به هر گونه تجدیدخواهی، بالا پوشهای دوران لویی یازدهم و حتی زولسزار را بر تن نمودند، حتی بعضی از نویسندگان خطابه‌های خود را به تقلید از سخن‌سرایان دوران انقلاب ۱۷۸۹، همچون روبسپیر Robespierre، و دانتون (Danton) و میرابو (Mirabeau) ایراد می‌کردند و رفتار و حرکات ناپلئون را به رفتار امپراتوران روم باستان شبیه می‌دانستند.

در نیمه دوم قرن نوزدهم، احیای تاریخ گذشته، بالعکس، انگیزه‌ای می‌گردد برای توجیه علل پیشرفت، به عبارت دیگر بازگشت به دوران کهن، نه از این باب صورت می‌گیرد که هر گونه ترقی و تعالی را بتوان نفی نمود، بلکه گذشته چراغ راه آینده می‌شود و وسیله‌ای به منظور نیل به خوشبختی. نگرشی کوتاه بر تکوین و تحول افکار و یکتور هوگو نمونه بارزی از این مدعا است.

در نظر هوگو، تاریخ ابتدا مجموعه‌ای از اشکال و تصاویر را پیش چشم می‌آورد. این صورتها نمایانگر تقابل طبقات مختلف توده‌های مردم، ابر مردان و حتی نیروهای خارق العاده اساطیری با یکدیگر است. هوگو معتقد است که تاریخ دشمنی ستیزه‌جو و جبار و میدان تجلی رنجها و جنایات و مکافات بشری است. او در سال ۱۸۲۳، در منظومه Odes (چکامه‌ها) تاریخ را به منزله علمی در نظر دارد که هدفش احیای وقایع گذشته و مورخ را داوری می‌داند که درباره آن وقایع باید به قضاوت بپردازد. شکی نیست که تاریخ به منزله متهمی است که مورخ، همچون وکیلی باید دفاع از آن را برعهده گیرد. هوگو در مجموعه «چکامه‌ها» با بیانی، متن این دفاعیه را به نظم می‌کشد و در بخشی از آن می‌گوید: «آن هنگام که آثار ویرانی‌های تاریخ را از دل اقیانوس زمان بیرون می‌کشم، می‌پندارم که چشم نظاره‌گر زمان، از دریایی به دریایی

دیگر، زورق سر مست و پربار حیات انسانی را می‌نگرد و جهان، خود بهتر می‌داند که چگونه تمامی وقایع را در بطن خود محفوظ دارد. آن هنگام که حائل میان دو مرز زمان قرار می‌گیرم می‌نگرم که چسان روز ازل فرو می‌ریزد و آینده همچون گهواره‌ای که کودکی را در خود گرفته است از راه فرا می‌رسد^{۱۹}. بی‌شک، هوگو نظاره‌گر آینده است و برخلاف شاتوبریان که بازگشت به سوی گذشته را هدف توجیه تاریخی می‌دانست، وی آینده تاریخ را از پیش به گهواره‌ای تشبیه می‌کند که کودک نخست در آن مأوا می‌گزیند و سپس رشد می‌کند و آنگاه در همان گهواره تاریخ به عنصری سازنده مبدل می‌گردد. در منظومه دیگری تحت عنوان *Les Feuilles d'Automne* (برگهای پاییزی) که در سال ۱۸۳۰ به چاپ می‌رسد، هوگو، تصویری از رستاخیز تاریخ را پیش چشم می‌آورد. شاعر در جستجوی یافتن «تزادهای از میان رفته» نسلی از آدمیزادگان را مجسم می‌کند که سراز گورهای اعصار و قرون برآورده تا ناظر آن باشد که چگونه نسلهای آینده سر نوشت خود را رقم می‌زنند. در مجموعه دیگری بنام *La Légende des Siècles* (افسانه قرون)، هوگو حرکت تاریخی مردمان را به معراجی به سوی نور و فروغ تابان خورشید نامیرا تشبیه نموده است. هوگو معتقد است که بی‌گذر از مسیر پریپیچ و خم تاریخ هرگز نمی‌توان به روشنایی دست یافت، به عبارت دیگر مقصد تاریخ، منبع حیات بخش نور و زندگی است، وی می‌گوید: «انوار همچون رشته‌هایی باریک، بشریت را از درون این مسیر پریپیچ و خم زمان رهایی می‌بخشد و وی را به سوی ترقی و تعالی فرا می‌خواند^{۲۰}».

در منظومه *Les Destinées* (تقدیر) اثر آلفرد دو وینی، که در سال ۱۸۲۳ تألیف شده، در سه قطعه شعر جداگانه از این اثر یعنی *La Bouteille à la mer* (بطری در دریا)، *L'Esprit pur* (روح منزه) و *La maison du berger* (کلبه چوپان)، شاعر به سر نوشت شکفت انگیز بشر در تاریخ می‌اندیشد و از خود می‌پرسد چگونه نسل بشر توانسته از پیچ و خم وقایع نابودکننده تاریخ جان سالم

بدر برد و اینک نیز به چه امیدی چشم به آینده دوخته است؟ وینی با بینشی جبری تاریخ را تحلیل می‌کند و معتقد است که سرنوشتی شوم و مرگ‌آور در کمین بعضی از تمدنها و انسانها نشسته است. مع‌هذا در بخش پایانی منظومه «تقدیر» بارقه‌ای از امید می‌درخشد و به انسان نوید می‌دهد که تاریخ، علیرغم خطرات و پی آمدهای نابود کننده‌اش، درهای بسته علوم دیگر را به روی انسان می‌گشاید.

زول میشله^{۲۱} نیز همچون وینی با نظر شاعرانه به خطوط اصلی تاریخ، که همان احیای زندگی بشر در کلیت خود می‌باشد، می‌نگرد. میشله با تحلیل اسطوره‌ای که از تاریخ دارد معتقد است که انسان سرانجام پرومته‌ای است که پیک آزادی و گسستن زنجیرهای بردگی و بندگی را باید به نسلهای آینده نوید دهد. در مقدمه کتاب *Histoire de France* (تاریخ فرانسه)، در سال ۱۸۶۹، میشله، هدف از تاریخ را این گونه بیان می‌کند: «بشر در جریان پیشرفت، با توان مندیهای لایزال خویش انسانهای آینده را به سوی آزادی سوق می‌دهد، انسان، در کلامی مختصر، پرومته خویشان خویش است»^{۲۲}. همچون هوگو، میشله نیز تاریخ را به دادگاهی تشبیه می‌کند که دفاع از مندرجات دادخواست آن را مورخ برعهده دارد، به عقیده میشله: «تاریخی که بشر در آن متولد می‌شود، رشد می‌یابد و میسیرد، وجودی بی تفاوت و منفعل نیست [...] بالعکس، تاریخ وجودی فعال است و بنام حقیقت و عدالت، با صلابت و صراحت می‌باید در روند تکامل بشر دخالت کند، اما هرگز مدعی آن نیست که توازنی خردمندانه و فرزانه‌وار میان خوبی و بدی برقرار کند»^{۲۳} و نیز: «دشمنی حقیقی تاریخ وقایع گذشته است، همان گذشته قرون وسطایی، موحش و ستسگر و دوست تاریخ آینده است، یعنی ترقی و نوگرایی و چنین است که در پهنه بی‌کران آسمان تاریخ، همواره باید در انتظار انقلابهایی همچون انقلاب ۱۷۸۹ بود، اصولاً هر انقلابی روی به سوی آینده دارد»^{۲۴}.

همان گونه که ذکر آن گذشت، بسیاری از نویسندگان و شعرای رمانتیک،

به‌ویژه در نیمه اول قرن نوزدهم، امعان نظر خاصی در تحلیل وقایع گذشته تاریخی داشتند، به‌علاوه آن وقایع را وسیله‌ای برای توجیه سرنوشت آینده تاریخ در نظر می‌گرفتند. اینان به‌دو دوره تاریخی التفاتی خاص داشتند: یکی عصر کهن یونان و یا روم باستان و دیگر دوران سده‌های میانه. دسته اول که، گروه بی‌شماری از طرفداران مکتب رمانتیک را دربر می‌گیرد از پیروان نظریات شاتوبریان محسوب می‌گردند و هدف ایشان از احیای ارزشهای کهن برانگیختن احساسات ناسیونالیستی بوده‌است. در راستای چنین هدفی است که، به‌زعم ایشان، انسان هویت فردی خویش را باز می‌یابد و لاجرم علاقه و گرایش به احیای فرهنگ و تمدن بومی در ذهنیتش رسوب می‌کند. به اعتقاد این دسته از نویسندگان رمانتیک هنگامی که انسان هویت گم‌شده‌اش را باز می‌یابد، نه تنها از عزت و ازوای درونی رهایی می‌یابد، بلکه در عرصه رقابت در جامعه‌ای متحول بهتر می‌تواند در راه ترقی و اعتلای میهنش گام بردارد. به‌همین دلیل نیز بجاست که عقاید این دودسته تشریح گردد تا نقش ایشان رصحنه نگرش به تاریخ برخوانندگان روشن گردد:

۱- نویسندگان پیرو احیای تاریخ کهن قبل از میلاد

در این مقوله، شاتوبریان نویسندگان هم عصر خود را به‌دو دسته «دوست» و «دشمن» تجدید حیات تاریخ باستان تقسیم نمود. پس از انتشار کتاب هوگو «افسانه قرون»، پیروان شاتوبریان بر این اعتقاد اتفاق نظر داشتند که نگرش به تاریخ باستان و احیای ارزشهای آن نتیجه سازنده‌ای در بیداری ملت در راستای احساسات ملی و میهنی در بردارد. در کتاب افسانه قرون هوگو تصویری از انسان نخستین را پیش چشم می‌آورد و سرنوشت وی را با آدم عهد عتیق مقایسه می‌کند.

آلفرد دو وینی نیز در کتاب *Poèmes Antiques et Modernes* (اشعار کهن و متأخر) اشاره می‌کند که شعر رمانتیک نباید به توصیف قرون وسطی اکتفا کند، بلکه شعر تاریخی با معرفی وقایع اساطیری و با بهره‌گیری از کتاب آسمانی باید آئینه

عبرت آیندگان باشد تا با تمسک به آن مفاهیمی که فی‌المثل در حکایت موسی و یا نوح نبی مجسم گردیده، مورخ بتواند پندی به آیندگان دهد و درس شجاعت و شکیبایی به ایشان بیاموزد. به نظر وینی مبارزه و استقامت، هجرت و سفر، شکست یا پیروزی و مفاهیمی از این دست در بازنگری عمیق تاریخی به این قبیل حکایات میسر می‌شود.

ژوادونروال^{۲۵} از بازگشت خدایان سخن درمی‌دهد و هدفش تنها معرفی و شرح بعضی از اساطیر نیست، بلکه تصویر خدایان المپ در اشعار وی رمزی است از تجدید حیات تاریخ باستان.

موریس دوگرین^{۲۶} در منظومه خود تحت عنوان Les Gentaures (سانتورها) به سبک و شیوه اسطوره‌ای به کاوش در اعصار و قرون می‌پردازد و جوانی و طراوت حیات امروز بشر را مرهون نگرش تاریخی به مفاهیم رمزی تاریخ باستان می‌داند. هر واژه و کلامی که موریس دوگرین بکار می‌برد، معنایی نمادین دارد و به گونه‌ای اسطوره‌ای بخشی از مفاهیم تاریخی را دربر می‌گیرد، فی‌المثل در بخشی از کتاب «سانتورها»، شاهینی که بر فراز المپ پرواز می‌کند مظهر سرنوشت و خدایانی که به جستجوی این پرنده برمی‌خیزند کنایه‌ای است به مورخ و محقق تاریخ: «گاه شاهین بر فراز المپ به پرواز درمی‌آید و پهنه آسمان را درمی‌نوردد، سپس در میان تالو اختران و کواکب، در عمق پیشه‌های اسرارآمیز، چهره در نقاب می‌کشد. آنگاه خدایان با دلی آکنده از غم و اندوه در پی یافتنش، در سکوت درختان بلوط سر به فلک کشیده رهسپار می‌گردند»^{۲۷}.

مکتب پارناس^{۲۸} نیز التفاتی خاص به تاریخ باستان دارد. لوکنت دو لیل (Le conte de Lisle) مفاهیم تاریخی را از بطن اسطوره هرکول (Heracles) استخراج می‌کند. هرکول، مظهر انسان سرگشته در تاریخ، راه سرزمینی خوشبختی را گم کرده است و مأوایی ندارد. این قهرمان افسانه‌ای و اسطوره‌ای مظهر همه انسانهای نیمه اول قرن نوزدهم است، قری که با سال ۱۷۹۹ و کودتای ناپلئون آغاز

می‌گردد و ناظر وقایع تلخ شکست ۱۸۱۵ و تجدید حیات سلطنت و سپس انقلاب ۱۸۴۸ می‌باشد. لوکنت دولیل در مجموعه دیگری از اشعارش تحت عنوان Poèmes barbares شعر سرزمینی بربرها، با احیای اساطیر اسکانندیناوه، ایرانی، هندی و مصری جایگاه انسان را در تاریخ نشان می‌دهد. وی معتقد است که جمع‌آوری اسناد و مدارک مربوط به اعصار و قرون قبل از میلاد، به گونه‌ای علمی و مدون، راهگشای آینده است و تاریخ فرداها را می‌توان با مراجعه به این مدارک به حدس و گمان قریب به یقین نشان داد. بی‌جهت نیست که نویسندگان پاراناس، سوای شعر و اسطوره‌نگاری، به هنرهای تجسمی با نظری تحسین‌آمیز می‌نگریستند و نگرش و تحقیق در این زمینه را از ضروریات بشمار می‌آوردند؛ زیرا معتقد بودند که نقد هنر در زمینه تندیس‌ها و سکه‌ها مجالی برای مورخ فراهم می‌آورد؛ تا از این رهگذر تاریخ کهن احیا گردد. جالب این است که در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن حاضر نویسندگان و مورخان چون آنا تول فرانس در کتاب خود بنام Thais (تائیس) همان راه پاراناسها را می‌پیماید و معتقد است که تحقیق در زمینه افسانه‌ها و اساطیر بسیاری از مفاهیم تاریخی را فرا راه مورخ قرار می‌دهد. قصه «تائیس» حاکی از زن بوالهوسی است که از افسانه‌ها درس عبرت می‌گیرد و از آن پس نقش سازنده خویش را در تاریخ برعهده می‌گیرد.

۲- نویسندگان معتقد به احیای تاریخ قرون وسطی

از نیمه دوم قرن هجدهم، نویسندگان رمانتیک با نظر التفات به تاریخ قرون وسطی نگریستند. شاتوبریان در کتاب Les Martyrs (شهیدان) همانند هوگو در مجموعه Odes (چکامه‌ها) بر احیای ذخائر غنی فرهنگ رایج در قرون وسطی تأکید ورزید. به اعتقاد این هردو، بازگشت به تاریخ قرون وسطی پاسخی است به تاریخ قرن هجدهم و عصر خردگرایی (Rationalisme) که سراسر آن حاکی از بی‌ریشگی، بی‌اعتقادی و بی‌ایمانی است. شاتوبریان تا آنجایی پیش می‌رود که تحولات انقلاب کبیر ۱۷۸۹ را توطئه‌ای می‌داند برضد سلطنت و مسیحیت. بی‌شک، چنین

طرز تلقی ریشه در بحرانهای سالهای پس از ۱۷۸۹ دارد. در سال ۱۷۹۳ مورخی بنام اوبن لویی میلین (Aubin Louis Millin) کتابی تألیف کرد بنام *Annuaire des républicains*^{۲۹} (سالنامه جمهوری خواهان)؛ در این کتاب، نام قدسین صدر مسیحیت تغییر یافت و به عوض آن نام فصول، نباتات و گیاهان در تقویم و گاه شماری فرانسه بکار رفت. میلین پس از تحقیق در ساختمان کلیساهای قبوره، نقوش و تندیس‌ها، نقش مهمی در ترغیب نویسندگان دیگر در راستای ارزش نهادن به تاریخ قرون وسطی ایفا نمود. در اوائل قرن نوزدهم، فرهنگستان فرانسه، به منظور احیای فرهنگ و تاریخ سده‌های میانه مسابقه‌ای در زمینه اهمیت جنگهای صلیبی ترتیب داد. به علاوه فرانسوارینوارد^{۳۰} (Froncois Raynduard) ، مورخ و زبان‌شناس مشهور در سال ۱۸۰۷ دستور زبانی تألیف کرد و در مقدمه آن متذکر شد که بسیاری از مسائل و وقایع تاریخی را باید در زبان و کلمات رایج در میان شعرای دوره گرد جنوب فرانسه جستجو کرد، حتی نمایشنامه‌ای نوشت بنام *Les Templiers* (رهبانان) و در آن براهیت نگرش به زندگی شوالیه‌ها و سلاجشوران قرون وسطایی تأکید ورزید.

^{۳۱} اگوستن تی‌یری Augustin Thierry در سال ۱۸۳۳ قرون وسطی را از بارزترین و مهم‌ترین ادوار تاریخی در راستای احیای فرهنگ ملی اعلام داشت. وی از طرفداران تاریخ‌نگاری روایی *Histoire narrative* و معتقد بود که مورخ می‌باید به مدد تحلیل و مشاهده دقیق از هر گونه کلی‌گویی و پیشداوری پرهیزد و با تحقیق در تاریخ قرون وسطی علل بروز وقایع فعلی را به گونه‌ای منطقی بازگو نماید.

شارل نودیه (Charles Nodier) یکی از بنیان‌گذاران مکتب رمانتیسیم در شیوه‌های نگرش تاریخی، قرون وسطی را از ارزشمندترین دوره‌ها می‌دانست و معتقد بود که زیباترین طرز تفکر، بی‌شک، این است که «مشعل فروزان تصورات» را در ظلمات قرون وسطی به حرکت درآورد؛ باید از این همه آثار باستانی و دورانهای

پادشاهی گذشته و حتی سنتهای باستانی اقوام گنل پاسخی برزنده ذهنیت مورخ پیدا کرد^{۳۲}.

همان گونه که ذکر گردید، این دسته از نویسندگان التفاتی خاص به تاریخ قرون وسطی داشتند و شرح و تفسیر درباره بناهای کلیسایی و امپراطوریهای آن دوره، و تحقیق در باب صلیبیون و سلحشوریهای دلاوران، جنگهای تن به تن و نگارش در خصوص زندگی نجیب، بانوان ادیب، خدّم وحشم، ندیمان، افسونگران و جادوگران، جزئی از بررسیهای تاریخی ایشان بشمار می رفت. نویسندگان رماتیستیک، شرح و تفسیر در مورد رنگهای بومی سدههای میانه و آداب و رسوم رایج در آن زمان را به نظم کشیدند و با خلق آثاری جاویدان ملت فرانسه را به سوی احساسات ناسیونالیستی سوق دادند. ویکتورهوگو نیز در میان این گروه از نویسندگان جایگاهی خاص دارد. در سال ۱۸۳۲، به هنگام تألیف Notre-Dame de Paris (تتردام دوپاری) نویسنده به کسانی که ارزشهای تاریخی قرون وسطی را نادیده می گیرند، صراحتاً حمله می برد. وی معتقد است، هویت واقعی ملت‌های اروپایی را باید از خلل ارزشهای تاریخی قرون وسطی باز شناخت. هوگو تحقیق در باب وقایع تاریخی قرون وسطی را از آن جهت ضروری می داند که به انسان درس مبارزه و ایستادگی در برابرستمگری، کوردلی و عقاید جزم مذهبی می دهد.

اصولاً نویسندگان رماتیستیک، خواه آن دسته که به احیای تاریخ باستان اعتقاد داشتند و خواه دسته‌ای که تحقیق در باب قرون وسطی و تاریخ آن را راهگشای آینده تاریخ می دانستند، به دو مطلب مهم نیز با نظری خاص می نگریستند؛ یکی چگونگی برخورد با مسائل تاریخی و دیگر فن نگارش تاریخ. هر دو گروه معتقد بودند که مورخ باید جامعه و تمدن را در کلیت خود با تمام فرایندهای آن مورد بررسی قرار دهد. تاریخ و وقایع تاریخی با انواع رمان، قصه، نمایشنامه و شعر پیوند می خورد. به علاوه از خلال رمان، نویسندگان بزرگی چون هوگو و شاتوبریان به علل بروز

انقلابهای بزرگ می‌پردازند. حتی درنمایشنامه، مسائل تاریخی و برخوردهای درونی آن از اصول لاینفک مکانیسم نمایش بشمار می‌رود.

مختصر آن‌که نویسندگان رمانتیک سعی در تبیین تاریخ و بررسی بحرانهای انقلابی قرن نوزدهم دارند؛ بدو طریق، یکی از طریق بازگشت به اعصار و قرون کهن و توجیه اساطیری مسائل تاریخ در این خصوص، مورخ تقریباً همچون فیلسوفی می‌اندیشد و قرابتها و قیاسهای اسطوره‌ای را محمل مسائل تاریخی قلمداد می‌کند. دیگر از طریق بازگشت به قرون وسطی و احیای ارزشهای نوین، تا از این رهگذر، احساسات ناسیونالیستی را در دل مردم بیدار کند. تاریخ در میان نویسندگان رمانتیک وسیله‌ای است و یا بهتر بگوییم سلاحی است که با تمسک به آن روحیه مبارزه در دل انسان دوباره زنده می‌شود، مبارزه بنام آزادی، حقیقت و عدالت که سه مضمون مهم را در آثار مشهور و منظوم نویسندگان رمانتیک تشکیل می‌دهد. اگر Lorenzaccio^{۱۳} (لورنزاچیو) دست به ترور Duc d'Alexanohe (دوک الکساندر)، ستگر و دیکتاتور فلورانس می‌زند، نه به این دلیل است که برای ترور و آدمکشی ارزشی قائل شده، بلکه لورنزو در برابر بردگی و ظلم، به نام مقدس آزادی، به گونه‌ای نمادین دست تمامی دیکتاتورهای جهان را قطع می‌کند تا به مورخ گوشزد نماید که نگارش تاریخ شرح و حکایت بی‌محتوای فلان رهبر یا سلطان نیست، بلکه تاریخ باید به نام آزادی ملتها را به اتحاد و پیروزی دعوت کند.

فهرست مآخذ

- 1— Tadié. Jean Yves : Introduction à la vie Littéraire du XIX^e siècle
Paris : Bordas, 1970 - P. 56.
 - 2— Girard, A. : Le journal intime (Paris : P.U.F, 1963) PP. 11-17.
 - 3— Ibid, P. 11-17
 - 4— Valery, P. : Oeuvres Paris : B. Pleiade) I, PP. 1551-1556.
- یکی از مضامین شعری والری، مضمون « "Narcisse" » یا خودشیفتگی است که منبث از همان تنهایی و عزت شاعر در برابر بحرانه‌های تاریخ است .
- «Car je m'aime ! ... ô reflet ironique de moi!»
- «زیرا خود را دوست می‌دارم ! ... ای انعکاس استهزاآمیز خویشن خویش» .
- ۵- دوران امپراطوری (۱۸۱۵-۱۷۹۹) سلطنت لویی فیلیپ ازخاندان اورلئان (۱۸۳۰-۱۸۴۸) و دوران اوج انقلاب بورژوازی - صنعتی. جمهوری دوم و امپراطوری لویی ناپلئون بناپارت (۱۸۴۸-۱۸۷۱)، در این دوره فتوحات استعماری فرانسه کامل می‌گردد و مشکلات اقتصادی تمامی کشورهای اروپایی را در بر می‌گیرد .
- Cf : Histoire de France
- 6— Tadié, Jean Yves ops. cit P. 56.
- « این واژه «همگان» هم مورخ وهم نویسنده وشاعر را در بر می‌گیرد» .
- 7— Léon Cellier : L'épopée Humanitaire et les grands mythes romantiques
Paris SEDES 1971 Chap, V (Promie théé).
- در این کتاب که چندین بار چاپ و منتشر شده است، تاریخ همچون رب النوعی متجلی می‌گردد . تاریخ پرورته زمان است. بداعتقاد Cellier اگر تنها یک حکیم مدبر و خردمند و فاضل در جهان وجود داشته باشد، همانا تاریخ است که آرام بر سر نوشت بشر رقم می‌زند.

8— Chaulanges, M. : Histoire Conlemporaine (1789-1848) Paris : De Pa-grave, 1970 - PP. 11-13.

(بحث در زمینه مالیاتها، عدالت، کاهش قدرت شاه - فلاحت و صنعت، از مباحث عمده در این قرن بشمار می‌رود).

9— Bourgeois, R. : Chateaubriand et la littérature empire Paris : Masson et Cie 1972 - P. 6.

تعبیر « "Les Temps, nouveaux" » به معنای عصر جدید و یا « زمان حال » در آثار بسیاری از ادیبان این قرن به چشم می‌خورد.

10— Tadié, Jeu Yves : Of. cit P. 65. "Histoire comme science"

و نیز ر.ک: عبدالهادی حائری : نخستین رویاروییهای اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب : (تهران، ۱۳۶۷)، ص ۳۲-۳۴.

11— Alphonse de Lamartine (1790-1869)

لامارتین معتقد است که انقلابهای پی‌درپی باعث تکامل جامعه انسانی به سوی استقرار دموکراسی می‌گردند.

Cf : Echelard Michel : Histoire de la littérature au XIXème siècle (Paris : Hatier 1984) - P. 41.

12— Alfred de Vigny (1797-1863)

وینی به سرنوشته تاریخی بشر معتقد است، اما هرگز انسان را به انفعال در برابر بی‌عدالتی دعوت نمی‌کند، بالعکس به انسان پیشنهاد می‌کند که در برابر ظلم و ستم باید شجاعانه ایستادگی نمود.

Cf : Echelard Michel : op. cit P. 46

13— René Chateaubriand (1768-1848)

وی در کتاب خود تحت عنوان « "Le Génie de Chrislianism" » نوع مسیحیت را به تلافی پیوند میان کلیسا و بناپارت به رشته تحریر درمی‌آورد. وی از خلال تاریخ مسیحیت، کلیسا را به سازش با مستبدترین نظام تاریخی قرن نوزدهم، یعنی امپراطوری بناپارت متهم می‌کند:

Cf : Bourgeois René : Op. cit P. 111

۱۴- هنر معماری "gothique" نوعی سبک معماری است که در قرون وسطی در ساختن بنای کلیساها رایج بوده، سبکی است میان سبک رومی و سبک دوره رنسانس: به عنوان مثال کلیسای معروف نتردام با این سبک بنا شده است.

15— Bossuet Jaques Bénigne (1672-1704)

بوسوئه با تأکید بر این نظریه که قدرت مطایف تنها از آن پروردگار است، در کتاب خود زیر عنوان *Le discours de l'histoire universelle* در سال ۱۶۸۱، به ولیعهد آینده فرانسه لویی پانزدهم نصیحت می‌کند که هرگز در اداره امور مملکت قدرت ناشی از خداوند را فراموش نکند. نظریات مذهبی Bossuet در ارتباط با تاریخ طرف توجه شاتوبریان، که خود نیز از نویسندگان مذهبی بود، قرار گرفت.

Cf: Christian Doumier: Littérature française Paris: Hachette 1985 - P. 70

16— Cf: Jean Yves Tadié: op. cit P. 58

«کاپسین» نام خاندان سلطنتی فرانسه از سال ۹۸۷ تا ۱۳۲۸ میلادی است. لازم به یادآوری است که واژه کاپت که در متن به خاندان سلطنتی لویی‌ها نسبت داده شده از روی هجو و استهزاء بکار برده شده است. اضافه می‌نماید که در زمان انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، مردم به مسخره و نیشخند، لویی شانزدهم را لویی کاپت می‌نامیدند.

17— Ibid. P. 58

۱۸- رومان‌تیسیم به گونه‌گوناگون در ادبیات و فلسفه و تاریخ می‌گردد که از اواخر قرن هجدهم آغاز می‌گردد و تا سال ۱۸۶۰ به طول می‌انجامد. در این مکتب احساس بر عقل و صورت خیال بر نقد تحلیلی رجحان دارد.

ر.ک: به ذیل کلمه "Romantisme" در *Encyclopédie Larousse en 5 volumes*

چاپ ۱۹۸۸

19— Cf: J.Y. Tadié op. cit P. 61

20— Ibid. P. 62

21— Michelet Jules (1798-1874)

دکترای ادبیات و استاد فلسفه و تاریخ در دانشسرای عالی، مسئول بخش تاریخ و صاحب تالیفات متعددی است که ذکر نام بعضی از کتب تاریخی وی، در زمینه تحقیقات تاریخی، به نظر

نگارنده، مفید و سودمند است :

a) Histoire de France (1831)

b) Des origines à la mort de Louis XI (1833-1844) شش جلد

c) Histoire de la Révolution française (1847-1853) ۷ جلد

d) Histoire de France (de Louis XI à Louis XVI) (1855-1867)

Cf : Garreau Olivier : La Révolution française op. cit P. 47

22— Jean Yves Tadié : op. cit P. 69

23— Ibid, P. 64 .

24— Ibid, 64 .

25— Nerval Gerard de (1808-1855)

صاحب کتاب Voyage. enorient (۱۸۵۱) تالیفاتی نیز در زمینهٔ منشأ مکتب رمانتیک

و تاریخ سلطنت لوئی سیزدهم دارد .

Cf : Martino Pierre L'Epoque romantique Paris : Hatier 1944 - PP, 105-107 .

26— Maurice de Guérin (1810-1834) .

یکی از پیشگويان شعر غنایی و تغزلی در نیمهٔ اول قرن نوزدهم .

Cf : Mitterand Henri ; Littérature X1Xème siècle Paris : Nathan 1986 - p. 48-49 .

27— Jean Yves Tadié : op. cit P. 60 .

28— Parnasse :

نام نهضت ادبی و شعری که توسط لوکت دولیل Lecoutde lisle و توفیل گوتیه

Thephile Gautier بنیان نهاده شد. در این مکتب، صناعات شعری بیشتر از محتوای آن

اهمیت دارد. در آثار منظومه این مکتب، رجعت به مطالب و حکایات اساطیری مکرر به چشم می‌خورد

29— Jean Yves Tadié : op. cit P. 61 .

۳۰— فرانسوا رینوارد Fransdis Raynooand (۱۸۳۶-۱۷۶۱) زبان‌شناس، مورخ

و ادیب و نماینده نویسندهٔ فرانسوی و بنیانگذار دستور زبان تطبیقی زبانهای لاتینی و رومی

. Cf : Encyclopédie Larousse

31— Acgustive thierry (1745-1846)

مورخ و شاگرد دانشسرای عالی، صاحب تألیفات مهمی در زمینه تاریخ است از مهم‌ترین آثار وی تاریخ عصر مروثرین است که در سال ۱۸۴۰ تألیف می‌گردد .

Cf; Mitterand Henri op. cit P. 341 .

32— Jean Yves Tadié : op. cit P. 63 .

33— Lorenzaccio (1810-1857) .

اثر آلفرد دوموسه Alfred de Musse ؛ نمایشنامه‌ای بسیار زیبا که شرح ماجرای فردی بنام Lorenzaccio را به‌نقش می‌کشد که عاقبت دوك الكساندر ستمگر فلورانس را بنام آزادی ازبای درمی‌آورد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی